

انسان امروزی، به دنبال هم‌زبانی است که قبل از هم‌زبانی و بیش از آن، هم‌دلی را به او تضمین داده باشد؛ اما...

«ابوالفضل علی‌دوست ابرقویی»

فرض کنید، ناگهان با یک روایت مواجه شوید: در اندازه یک متر، با یک دسته گل در دست که تقدیمتان می‌کند، با گفتن چند جمله ساده: «حال شما چطور است؟ روز خوبی داشته باشید» و ... لابد شما هم دسته گل را از روایت می‌گیرید و جوابش می‌دهید: «متشکرم! حال شما خوب است؟ شما هم روز خوبی داشته باشید...» و ...

تصور کنید، ده‌ها بهار از عمر شما گذشته باشد و به سن و سال پیری رسیده باشید و خدای ناکرده اطرافیان شما را فراموش کرده باشند؛ آن‌وقت، مطمئناً رویارویی و صحبت با این «روایت» برایتان دلشین‌تر می‌شود و یک ضرورت به حساب می‌آید.

ژاپنی‌ها در کار و تلاش و ابتکار و نشاط ضرب‌المثل هستند: سن و سال خیلی از آن‌ها رقم بالایی. در برخی موارد عددی سه رقمی. را نشان می‌دهد و طبعاً سردی سایه تنهایی و رانده‌شدن از اطرافیان را بیش‌تر حس می‌کنند. لابد برای کارهایی از این حالت و رفع همین ضرورت است که روایتهایی ساخته و وارد بازار کرده‌اند.

چندی پیش، خبرگزاری فرانسه از توکیو گزارش کرد. بلکه مژده داد(!). که از این پس، سالخوردگان ژاپنی می‌توانند با خریدن یک روایت ۴۵ سانتی‌متری به نام «ایقبوت» از تنهایی به درآیند! این روایت به گونه‌ای طراحی شده که می‌تواند با گفتن جمله‌هایی ساده و خودمانی، سالخوردگان ژاپنی را از تنهایی دور آورد.

توانایی گفتار «ایقبوت» در حد و اندازه یک کودک پنج‌ساله است. اگر به ایقبوت بگویید: «امروز خسته و کسل هستم.» ممکن است جواب بدهد: «اگر خسته‌ای، مایل هستی چه کاری را انجام بدهی؟» و اگر بگویید: «امروز روز خوبی است!» با توجه به ساعتی که در بدنش تعبیه شده، پاسخ می‌دهد: «بله! امروز روز مطبوعی است.»

سازندگان «ایقبوت» گفته‌اند که در حافظه آن، چند میلیون الگوی متفاوت برای بیان عبارات مختلف قرار داده‌اند، که این عبارات، می‌تواند فعالیت مغزی سالخوردگان را افزایش داده، آنان را از عارضه فراموشی نجات بدهد.^۱

یک مژده

راستی که مژده خوبی است! انسان امروزی هر روز تلاش بیش‌تری می‌کند تا مهارت‌های صنعتی و تکنولوژی خود را ارتقا بخشد و زندگی راحت‌تری برای خودش دست و پا کند؛ اما این‌که تا چه اندازه در این مسیر موفق بوده و اصلاً آیا این ضریب راحتی روز به روز افزایش یافته یا نه، جای تامل است.

خوب است گذری از سر تامل و دقت داشته باشیم بر دست‌آوردهای تکنولوژی و فناوری دنیای امروز که هزارگانه‌ی بازارهای جهانی را با کالایی نو رسیده، مواجه می‌کند.

راستی، فکر کرده‌اید که چرا در بسیاری از خانواده‌ها، خصوصاً خانواده‌هایی که دین و آداب و فرهنگ مذهبی در آن‌ها رنگ و لعاب ندارد، پرورش سگ و هم‌زیستی خانوادگی با این حیوان، به اندازه مراد به یک عضو تعیین‌کننده خانواده رونق دارد؟ چرا این خبر، که یک روایت وارد بازار شده که می‌تواند با افراد خصوصاً سالخوردگان ارتباط برقرار کند و آن‌ها را از تنهایی بیرون بیاورد، به عنوان یک مژده بزرگ به حساب می‌آید؟ اصولاً چرا هم‌زیستی خانوادگی با یک حیوان و یا رفع نیازهای ارتباطی و عاطفی از طریق صحبت با یک روایت، تا این حد و اندازه ضرورت یافته است؟

فوق‌العاده‌ی سالخوردگان
مستحق احترام و توجه



پاسخ به این سوال، چندان پیچیده نیست؛ اما فرایندی دارد که توضیحات ذیل، این فرایند را ترسیم می‌کند. توضیحا این‌که: انسان موجودی است اجتماعی، که رشد او در هر یک از ابعاد شخصیتی‌اش بر اثر تعامل و ارتباط با افراد خانواده، در درجه اول، و افراد اجتماع، در مرحله بعد، رقم زده می‌شود. نخستین جرقه این ارتباط، که از اولین تماس‌های طفل با نزدیک‌ترین افراد، به ویژه مادر، به‌دست می‌آید، در حدود دوماهگی است. واکنش حاصل شده از این ارتباط اولیه، به صورت لیختند نمود می‌یابد. این ارتباط تا جایی گسترش می‌یابد که دیگر به صورت یک عامل ایمنی بخش، ضرورت پیدا می‌کند. این حالات که در روان‌شناسی، عنوان «وابستگی» به خود گرفته، جدای از رفع نیازهایی مثل تغذیه، عموماً برای رفع نیازهای روحی و روانی است و ضمناً تمرینی. هرچند عزیزی و غیرآگاهانه، برای اجتماعی شدن، که دست آفرینش، انسان را با این ویژگی آفریده است. این ارتباط و ضرورت آن، در هر مقطع سنی به شکلی نمود می‌یابد؛ اما در هیچ برهه از زندگی، تعطیل نمی‌شود. به عبارت دیگر، ارتباط انسان با دیگران، بخشی جدانشدنی از زندگی انسان است.

نکته مهم

نکته مهم، بستری است که این ارتباط در آن جریان می‌یابد. در واقع سوال شخصیتی این است که لازمه تکوین و رشد یک ارتباط صحیح و منطقی با دیگران چیست؟ بدون شک، تعامل و ارتباط منطقی با دیگران، مستلزم عوامل متعددی است که بدون وجود این عوامل در رفتار افراد، نمی‌توان ارتباطی منطقی و عاطفی و اثرگذار را در روابط بین افراد، رقم زد و ادامه داد. چنان‌چه ملامت و خمیرمایه ارتباط افراد با یکدیگر را، عطفوف و انفعال، عفو و گذشت و محبتی فراگیر و در عین حال، عزت، مناعت‌طبع و بزرگ‌منشی تشکیل بدهد، چنین ارتباطی مستمر، اثرگذار، تعیین‌کننده و سازنده خواهد بود والا با صرف‌نظر از برخی ارتباط‌های قهری مانند ارتباط بیمار با پزشک، یا ارتباط زندانی با زندانبان، سایر ارتباط‌ها در گذر زمان، گسیخته می‌شوند. پس از این گسیختگی است که انسان امروزی خود را با دو مشکل مواجه می‌بیند و به راه اصلی‌ها ظاهراً متناسه، دست می‌زند! انسان امروزی از یک سو وجود یک ارتباط عاطفی با دیگران و درک متقابل را، به‌عنوان یک اصل اجتناب‌ناپذیر، می‌بیند و از دیگر سو، زمینه‌ای نمی‌بیند که بتواند این نیاز را خدمت یک همنوع، که زبان او را بفهمد و نیاز او را درک کند، ارائه نماید. در چنین شرایطی، این نیاز اجتناب‌ناپذیر را، به جای آن‌که از طریق ارتباطی عاطفی و انسانی و اطرافیان و بستگان و هم‌نوعان برآورده سازد، از طریق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با حیوان برآورده می‌سازد و چشم دل به جملات ساده‌ای می‌دوزد که از دهان آهنی یک روبات ساخت ژاپن خارج می‌شود! انسان امروزی، به دنبال هم‌زبانی است که قبل از هم‌زبانی و بیش از آن، هم‌دلی را به او تضمین داده باشد: «هم‌دلی از هم‌زبانی خوش‌تر است» در این جست‌وجو ممکن است هم‌زبانی بیاید؛ اما آن‌چه ارتباط با این هم‌زبان را استمرار و ملاحات و شیرینی می‌بخشد، هم‌دلی است و دریغ از این‌که بتواند چنین ویژگی را در یک بستر گسترده، نه به طور مقطعی و محدوده پیدا کند. آیا انسان خواهد توانست از این مسیر، تغییر جهت داده، نیاز خود را از طریق ارتباط و تعامل با هم‌نوعان خود برآورده سازد؟

بهترین راه‌کارها

نیم‌نگاهی به فرهنگ و آموزه‌های دینی و ضمانت اجرایی حاکم بر این آموزه‌ها، زیباترین راه‌کار ارتباط و مراوده با دیگران را فراروی دیدگان مان قرار می‌دهد. این دستورالعمل‌ها، از یک سو تصویرساز ارتباطی نیکو و منطقی میان افراد است و از سویی دیگر، باتوجه به ضمانت اجراهای آن‌ها از این‌که انسان به جای ارتباط با هم‌نوعان، به حیوانات و ربات‌ها پناه ببرد، ممانعت می‌کند. در یک نگرش کلی، احادیث و روایاتی که ضرورت رفتار نیکو با والدین، فرزندان، زیردستان و همسایگان را گوشزد می‌کنند، در قالب این راه‌کارها قرار می‌گیرند. ذیلاً به چند روایت در این خصوص توجه کنید و حدیث مفصل از این مجمل برخوردارید:

رسول خدا(ص): «نگاه محبت‌آمیز به صورت والدین، عبادت است.» امام رضا(ع): «نیکی به پدر و مادر، واجب است، هرچند مشرک باشند؛ اما در معصیت پروردگار، نیاستی آنان را اطاعت کرد.» رسول خدا(ص): «حاضران و غایبان از اتم‌تر سفارش می‌کنم که از بستگان دیدار کنند؛ هرچند یک سال راه فاصله باشد؛ چرا که صله رحم، جزء دین است.» امام علی(ع): «با بستگان خود ارتباط برقرار سازید، هرچند با سلام کردن باشد.» رسول خدا(ص): «بهترین شما کسی است که اطعام کند و سلام را بلند بگوید.»

رسول خدا(ص): «زیارت و دیدار افراد، دوستی و محبت را در دل‌ها می‌رویاند» رسول خدا(ص): «کسی که از برادر مومن خود در خانه‌اش دیدار کند، خداوند، عزوجل، به او می‌فرماید: تو مهمان و زائر من هستی، احسان به تو و پذیرایی از تو بر من لازم است و به خاطر محبت و دوستی تو با او، بهشت را بر تو واجب کردم.» امام صادق(ع): «هر مومنی که با داشتن قدرت، برادر مومنش را یاری نرساند، خداوند، او را در جهان، خوار می‌سازد.» رسول خدا(ص): «هرکس حق همسایه‌اش را ضایع کند، از ما نیست و پیوسته جبرئیل مرا به همسایه سفارش کرد، تا آن‌جا که گمان کردم همسایه از همسایه‌اش ارث می‌برد.» امام صادق(ع): «نیکی به همسایگان، خانه‌ها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند.» این روایات و ده‌ها روایت دیگر در این مقوله، زیباترین راه‌کار ارتباط افراد را با یکدیگر نشان می‌دهد. بدون تردید چنان‌چه مفاد این گونه احادیث در شریان خانواده‌ها و اجتماع جریان یابد، افراد مجبور نخواهند شد، به جای ارتباط منطقی عاطفی با یکدیگر، با یک حیوان یا یک آدم آهنی ارتباط برقرار سازند.

سوال مقدّر

سوال مقدری که در این خصوص وجود دارد این است که: از هم‌گسیختگی ارتباط‌های منطقی و جایگزین شدن برخی ارتباط‌های مجازی به جای ارتباط‌های انسانی و عاطفی، ریشه در چه زمینه‌هایی دارد؟ این سوال از هر منظری، پاسخ خاصی می‌طلبد؛ بدون شک تضعیف قدرت اخلاقی دینی و دین‌مداری در ارتباط‌ها و ضعیف شدن باورهای افراد به مبانی دینی، به‌عنوان آن‌چه خدای متعال برای اداره امور افراد اجتماعات، وضع کرده، عامل اصلی این از هم‌گسیختگی است. از دیگر عوامل مهم در این زمینه، می‌توان به برخی حواشی تکنولوژی و فناوری اشاره کرد. توضیحاً این‌که: انسان امروزی تمام توان خود را برای سلطه هرچه بیش‌تر بر طبیعت، معطوف داشته است؛ آن‌چه «تکنولوژی» نامیده می‌شود، در حقیقت چیزی جز سلطه‌جویی بر طبیعت نیست. چه‌مقدار از این سیطره، مفید و ضروری است و چه‌مقدار غیرضروری؟ آیا تکنولوژی و رواج آن موجب از هم‌گسیختگی روابط منفی میان افراد شده است، یا این مهم ریشه در اصل تکنولوژی و فناوری نداشته، بلکه ناشی از برخی حواشی قضیه است؟ پرداختن به این بحث، مجالی دیگر و نوشتاری بزرگ‌تر می‌طلبد؛ اما به نظر می‌رسد، اصل وجود تکنولوژی و زندگی صنعتی با گسستن پیوندهای اجتماعی و خانوادگی و سردی روابط بین افراد، ملازمه‌ای حتمی نداشته باشد؛ آن‌چه این دست آوردها را رقم زده و روابط افراد را به سردی محسوس کشاند، زیاده‌طلبی و رقابت ویران‌گر و نفس‌گیری است که برای تسلط هرچه بیش‌تر بر طبیعت و سلطه بر تکنولوژی و فناوری در میان جوامع صنعتی، و به تبع آن، جوامع در حال پیشرفت، رواج یافته است.

میل به سیطره و سلطه بر طبیعت، ریشه‌ای غریزی دارد، که در شاخص‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع پست‌توانه پیدا کرده است؛ اما گستره این «میل» در حال حاضر در حد و اندازه میدان مسابقه‌ای است به طول و عرض کره خاک، که رسیدن به رتبه اول در این مسابقه، هزینه گزافی می‌طلبد. ایجاد دغدغه‌های کاذب و شکننده برای رسیدن به سکوی قهرمانی در این میدان نبرد، بالاترین حجم از فکر و ذهن انسان امروزی را، خصوصاً در جوامع صنعتی، به خود اختصاص می‌دهد و مهم‌ترین دست‌آوردهای این دغدغه، سست شدن پیوندهای منطقی و اخلاقی میان افراد، در یک خانواده و سپس در پهنه اجتماعات است. از سوی دیگر، ضرورت وجود یک ارتباط و تعامل، انسان امروزی را به ارتباط با حیوانات، که مطیعند و سر به راه و به روبات‌ها که مطیع‌تر و سر به راه‌تر، می‌کشاند. پایان بخش این مطلب را به نقل چند جمله از یک نویسنده معاصر، اختصاص می‌دهیم:

«موضوع دیگر آن که دنیای صنعتی، اکنون همه سرنوشت خود را به علم و تکنیک بسته است... مبارزه‌ای بی‌امان در میان طبیعت و انسان چاره‌گر، درگیر است. بشر می‌کوشد تا با عمل خود بر مرزها و کژتابی‌های طبیعت غالب شود؛ می‌خواهد بیش‌ترین مقدار و در حد دلخواه از او بگیرد... تمدن غرب، تمدن تکاپو است؛ تکاپو برای رسیدن، برای پامال نشدن در یک جامعه مسابقه‌ای، که هر لحظه‌اش مستلزم تقلای نفس‌گیر است... کشورهای صنعتی گرچه از لحاظ ایجاد وسایل رفاه موفق بوده‌اند در مجموع در پدیدآوردن یک جامعه خوشبخت، شکست خورده‌اند...»



پی‌نوشت‌ها

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۹۰/۹/۱۲
۲. زمینه روان‌شناسی، هلیگارد و ... ج ۱، ص ۱۳۴
۳. در پیشگاه عزت، محمدجواد مهری، صفحات مختلف
۴. سخن‌ها را بشنویم، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، صص ۷۸، ۷۹

انسان امروزی هر روز تلاش بیش‌تری می‌کند تا مهارت‌های صنعتی و تکنولوژی خود را ارتقا بخشد و زندگی راحت‌تری برای خودش دست و پا کند؛ اما این‌که تا چه اندازه در این مسیر موفق بوده و اصلاً آیا این ضریب راحتی روز به روز افزایش یافته یا نه، جای تامل است